

## منهاج‌الطلب

یکی از کهن‌ترین دستورهای زبان فارسی<sup>۱</sup>

سراسر تابستان سال گذشته را اینجانب برای تدوین و تصحیح فرهنگ فارسی-چینی در شهر پکن بسر می‌بردم و روزهای تعطیل از بناهای تاریخی و جاهای دیدنی آن شهر بازدید می‌کردم. روز جمعه‌ای به یکی از مساجد شهر پکن بنام مسجد "دوشی"<sup>۲</sup> رفتم. <sup>۳</sup> در کتابخانه‌ای که نسخه‌های خطی نگهداری می‌شود، در حدود شصت نسخه خطی وجود دارد که اغلب آنها فارسی و چند نسخه از آنها عربی است. من شرح چند نسخه از آن نسخ را در مجله "راهنمای کتاب به چاپ رسانیده‌ام"<sup>۳</sup>.

در میان این نسخه‌ها سه نسخه از کتاب "منهاج‌الطلب" وجود دارد که در واقع کهن‌ترین دستور زبان فارسی به فارسی است<sup>۴</sup> و توسط یک نفر چینی نوشته شده است. این کتاب بوسیله "محمدبن‌الحکیم الزینیمی الشندونی الصینی" نوشته شده و تاریخ کتاب نسخه "۳" که متقن‌ترین، و کامل‌ترین نسخ سه‌گانه است در پایان آن چنین نوشته شده است: روز جمعه ماه اعظم رجب معظم سال هزار و هفتادم از هجرت نبویه. بنابراین معلوم می‌شود که اولاً این کتاب توسط یکی از چینیان اهل شندون نوشته شده است، ثانیاً تاریخ تألیف این نسخه در سال هزار و هفتاد هجری یعنی سیمدهویست و نه سال قبل است و تاکنون هیچ کتاب مستقل دستور زبان فارسی به فارسی<sup>۴</sup> بدست ما نرسیده است که از این کتاب قدیم‌تر باشد. ثالثاً از این‌که از یک کتاب سه نسخه در یکی از کتابخانه‌های یکی از شهرهای چین یافته شده است می‌توان فهمید که این کتاب کتابی درسی بوده است. (البته قرائن دیگری نیز در این باره موجود است که به موقع ذکر می‌شود).

کتاب دارای دو قسمت است: قسمت اول که در نسخه "۳" ۲۵ صفحه است شامل صرف افعال بی‌قاعده، مصدر، فعل ماضی و لواحق وی، فعل مستقبل و حق او و نفی، فعل امر و نهی، اسم فاعل و مفعول، و صفات است.

۱ این سفر به همراهی دکتر غلامرضا ستوده انجام شده است. (آینده)

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل بيته الطيبين الطاهرين  
 الذين لا يذوقون الموت  
 الا فتره واحدة  
 اللهم صل على محمد  
 وعلى آل محمد  
 كما صليت على موسى  
 وعلى آل فرعون  
 ولعلك ترحمهم

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تَدْوِی لَالِہ التَّحْرِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آغاز این قسمت چنین است: بسم الله الرحمن الرحيم، بنام خدای بخشاینده، مهربان، بدان الهک الله که سخنها، باری بر سه گونه است: اسم همچو مرد و اسب و فعل همچو زد و کشت و حرف همچو در.....

و این گونه خاتمه می‌پذیرد: .... و اگر بابایی با اسم جنس در آری هم صفت شود همچو با جمال و بی جمال و اگر خواهی که مصدر را صفت کنی یا، نسبی بوی الحاق کنی همچو آمدنی و رسیدنی، والله اعلم تمام شد والحمد لله رب العالمین.

قسمت دوم که در نسخه "ت" ۱۱۹ صفحه است شامل مقدمه و چند باب است به این ترتیب: باب الاسماء (شامل فصول: مهتدا و غیر، فاعل، متعلقات فعل، مضاف و مضاف‌الیه، توابع، اسم جنس و اسم صفت، معرفه و نکره، جمع، انواع اسم)، باب الافعال باب الحروف و یک خاتمه.

در کتاب اول کلمات فارسی را مانند عربی به سه قسمت (اسم و فعل و حرف) تقسیم کرده است.

افعال زبان فارسی را از نظر مقایسه ماضی با مضارع به چهار دسته تقسیم کرده است: اول آن که شماره حرفها یکی است (البته از نظر رسم الخط فارسی) ولی از نظر قرائت اختلاف دارد مانند: خورد و خورد. دوم آنکه یکی تعداد حروفش بیش از دیگری باشد مانند: آفرید و آفریند. سوم این که مضارع کمتر از ماضی حرف داشته باشد مانند: پرستید و پرستد. چهارم این که اختلاف ماضی و مضارع به تبدیل باشد مثل: افراخت و افرازد.

سهس متعدی کردن فعل لازم را بیان می‌کند، آنگاه فصل مصدر می‌آید و در ذیل این فصل مصدر، مصدر مرخم و اسم مصدر و حاصل مصدر و صفت نسبی که از مصدر (بوسیله "یا" لیاقت) ساخته می‌شود، بیان می‌گردد. سپس فصل فعل ماضی معلوم و مجهول و منفی آنها را (که حجد می‌نامد) می‌آورد. آنگاه فعل مستقبل (که در حقیقت فعل مضارع است) معلوم و مجهول و منفی آن را بیان می‌کند. سپس فصل فعل امر و نهی را بیان می‌کند و آنرا همچون اعراب به دو قسم حاضر و غایب تقسیم می‌کند (زن و زنیست) امر حاضر (زند و زنند) امر غایب و می‌گوید که اگر قبل از فعل امر حاضر لفظ "گو" آمده باشد آنرا امر غایب گویند مثل "گو بزن" و فعل نهی را با "م" می‌سازد (مزن، مزندا و گومزن).

آنگاه اسم فاعل و اسم مفعول را بیان می‌کند، اسم فاعل را به مستقبل و مرکب تقسیم می‌کند، مستقبل مانند زننده، مرکب مانند روزه‌دار، همچنین کردگار و آفریدگار

را اسم فاعل با معنی مبالغه می‌داند. اسم مفعول را هم بر دو گونه می‌داند یکی مانند زده و کشته و دیگری مانند کردار (؟) و گرفتار و می‌گوید اگر فعل لازم باشد معنی اسم فاعل و مفعول برابر باشد و لکن هر نوعی از زمان خود جدا نشود همچو رونده و رفته و گذرنده و گذشته.

سپس فصل صفات می‌آید و بر سه گونه تقسیم می‌شود: مشتق و موضوع و مرکب. مشتق مانند روان و گویا و موضوع مانند نیک و بد و مرکب مانند نیک‌خوی و ماه روی و حلقه‌بگوش. سپس طرز بنای اسم از صفت بیان می‌شود، مانند گویایی و نیک‌خویی، آنگاه طرز بنای صفت از اسم گفته می‌شود مانند خردمند و شرمسار و سرور و توانگر و پرهیزگار و خشنماک و اندوهگین و مهربان و نازنین و با جمال و بی‌جمال و آمدنی و رسیدنی.

در کتاب دوم که در حقیقت اصل کتاب منهاج‌الطلب است بعد از مقدمه‌های باب‌الاسما شروع می‌شود. در این باب کلمات را به سه قسم تقسیم می‌کند، اسم و فعل و حرف و در باره اسم می‌گوید: اسم آنست که بر معنی که در خود بود دلالت کند و او را بوضع زمانی نبود. خاصه وی آنست که شاید که مبتدا و خبر و فاعل و مفعول و مانند وی و مضاف و مضاف‌الیه با حرف و یا بی‌حرف باشد. پس از آن فصل مبتدا و خبر می‌آید، در این فصل می‌گوید (است، اند، ام، ایم، ای، ایت یا اید) که آنها را حروف مهبوده می‌نامد باید با مبتدا مناسبت داشته باشد و می‌گوید که این حروف مهبوده به خبر ملحق می‌شود و سپس حالات استثنا را شرح می‌دهد. سپس حالات حذف مبتدا و خبر را بیان می‌کند، آنگاه به فصل فاعل می‌رسد که در آن نکات جالبی وجود دارد مثل این که می‌گوید "در غایبی بی‌نشانی را دلیل دارند همچو زد". آنگاه راجع به حذف در این قسمت بحث می‌شود، سپس فصل متعلقات فعل می‌آید، در اینجا متعلقات فعل به دو نوع تقسیم می‌شود: بی حرف مانند مفعول و مصدر و ظرف و حال، و با حرف مانند مفعول له و تمیز و مستثنی و جز این. سپس در باره هر یک از اینها بحث می‌کند. مثلاً در باره مفعول، جای آن را و آوردن آن را بدون "را" و با آن بحث می‌کند. در باره مصدر هم همان مفعول مطلق عربی را می‌آورد و بحث می‌کند مانند: زید را بزدم زدنش، و مقصودش از ظرف همان قید است و مقصودش از حال همان قید حالت و کلیه حالات مفعول بواسطه (یا متمم) را مفعول له یا تمیز یا مستثنی می‌گوید (بعلت این که این دستور زبان بر طبق موازین صرف و نحو عربی نوشته شده است).

سپس فصل مضاف و مضاف‌الیه می‌آید، در این فصل می‌گوید مضاف‌الیه بر دو نوع است با حرف (مانند فلان مرا خادم است) و بی حرف مانند خانه زید.

وکیان و تکثیر احوال او کرد و همان

پروا ختم کرد کتاب بغور الله القیدید

من القید الفقیه محمد بن الحکیم الدینمی

الشندونی الصبیح غفر الله له ولوالديه

و ترجمه و زحمه باه اعظم چه بوضع استاد

هدار و هفتام از غیرت نبوت غفر الله

و کتاب و لدا و با و به و لمن ينظر فيه

باستصواب و ضاعوا لجم اخضاعا و ثواب

و ترجمه قاطب نادان الرحمة نایب

# الایضی غفر الله له ولوالديه

تا نادان که این نصیحت در ملک جبین باقی ماند و اشکار اند و بنفید

ابتداء خداوند بر خلاصه پروا در میان و نجات اخوان جبین که بخدا محمد

بد حکم زبانی کند و در جبین او بر اهل او بخنداد و او را اهل او

از اهل دنیا و مذهب آخر نگاه دارد و او را و ایشان را در میان

و ترجمه و زحمه باه اعظم چه بوضع استاد  
هدار و هفتام از غیرت نبوت غفر الله  
و کتاب و لدا و با و به و لمن ينظر فيه  
باستصواب و ضاعوا لجم اخضاعا و ثواب  
و ترجمه قاطب نادان الرحمة نایب  
و الحمد لله العالیین

آنگاه فصل توابع می‌آید که عبارتست از نعت و معطوف و تأکید و بدل و عطف بیان. سپس فصل اسم جنس و اسم صفت می‌آید که همان اسم (ذات و معنی) و صفت (انواع آن) باشد. در این قسمت بیشتر انواع صفت نشان داده می‌شود. آنگاه فصل معرفه و نکره می‌آید که آن را به تفصیل بیان کرده است. سپس فصل جمع و آنگاه فصل انواع اسم که در ذیل آن ادوات استفهام و مبهمات و اسما و افعال و غیر از آن شرح داده می‌شود، و در اینجا باب الاسما پایان می‌پذیرد و باب الافعال شروع می‌شود و در این قسمت اقسام افعال شرح داده می‌شود. سپس باب الحروف می‌آید که در ذیل آن اقسام حروف بیان می‌شود، اعم از حرف اضافه و ربط و پیشوند و پسوند و گاهی قیود و پس از آن خاتمه کتاب می‌آید که خود در باره تفاوت زبانهای عربی و فارسی است و در اینجا از اقسام پسوند و پیشوند نیز بحث می‌شود.

این کتاب از دو نظر دارای اهمیت است، یکی از نظر آن که تا زمان حاضر می‌توان آن را قدیمی‌ترین دستور زبان فارسی دانست که به زبان فارسی نوشته شده است، و وقتی می‌بینیم که توسط یک نفر چینی هم نوشته شده است ارزش آن بیشتر می‌شود و معلوم می‌گردد که در آن زمان در مملکت چین زبان فارسی تا چه حد پیشرفت داشته است. از طرف دیگر در متن کتاب به مواردی برمی‌خوریم که برای ما تازگی دارد، و همین تازگی‌ها (چه غلط و چه راست) بر ارزش این کتاب می‌افزاید و معلوم است که مولف سعی داشته است زبان را از نظر علمی بررسی کند. مثلاً آوردن "گرفتار" ذیل صفت مفعولی (که تا همین چند سال پیش آن را صفت فاعلی حساب می‌کردیم) و تقسیم فعل امر به حاضر و غایب و امثال آن. مطالعه این کتاب به دست‌اندرکاران دستور زبان فارسی توصیه می‌شود.



یادداشت مدیر آینده - در سفری که به همراهی آقای محمدتقی دانش‌پژوه به چین رفتم نسخه‌هایی چند از این کتاب در کتابخانه‌های دیگر چین دیده شد. از جمله در کتابخانه دانشگاه قسمت زبانهای خاوری (دو نسخه) و در کتابخانه انجمن اسلامی پکن (چهار نسخه). در همان کتابخانه مسجد پکن هم بیش از سه نسخه دارند. چون کتاب جنبه درسی داشته نسخ متعدد آن موجودست. مشخصات نسخه‌ها که در مقاله آقای شریعت آمده است چون جنبه فنی کامل داشت حذف شد. با عذرخواهی.

## پاورقی

- ۱- آنچه از دست نوشته‌های قدیم راجع به دستور زبان فارسی (به زبان فارسی) بدست آمده است عبارتست از:
- ۱- لسان‌القلم در شرح الفاظ عجم، نسخه خطی این کتاب نزد آقای جلال‌همایی، استاد ممتاز دانشگاه تهران موجود است و این کتاب در سال ۱۸۶۱ تألیف شده است، اما آقای همایی با صراحت ذکر می‌کنند که از این کتاب می‌توان پاره‌ای از قواعد صرف و اشتقاق را استخراج کرد. مؤلف در مقدمه می‌نویسد که رساله من مکمل و ملخص کتاب المعجم است. رجوع کنید به مقدمه لغت‌نامه دهخدا، صفحه ۱۲۹)
  - ۲- رساله مشکل‌گشا (در جزو کتاب شامل‌اللفه) تألیف حسن بن حسین بن عماد قراحصاری که به سال ۹۱۰ یا ۹۱۱ و به خط حسن بن قاسم نوشته شده است و مرحوم مجتبی مینوی در یادداشت‌های خود از آن یاد کرده است و در کتابخانه آفیون قره حصار (ترکیه) موجود است و این تألیف مستقلی نیست (رجوع کنید به فرهنگ ایران زمین، دفتر نخست، بهار ۱۳۳۳، صفحه ۳۷)
  - ۳- آنچه مبهم است و کسانی که متذکر شده‌اند تاریخ دقیق آن نسخه‌ها و زبان آن نسخه‌ها را ذکر نکرده‌اند، مانند:
- نحو فارسی ابراهیم بن احمد (از یادداشت‌های مرحوم مجتبی مینوی - فرهنگ ایران زمین، دفتر نخست، بهار ۱۳۳۳، صفحه ۲۹)
- تحفه الهادی، (قواعد فارسی و لغت فارسی ترکی)، (ده قسم و چهار فصل) (از یادداشت‌های مرحوم مجتبی مینوی، فرهنگ ایران زمین دفتر نخست بهار ۱۳۳۳ صفحه ۳۴)
- تکلمة الفارسی (در هفت باب) (از یادداشت‌های مرحوم مینوی، فرهنگ ایران زمین، دفتر نخست، بهار ۱۳۳۳، صفحه ۳۸)
- Dunshi یا Dunqshi ۲- رجوع کنید به مجله راهنمای کتاب، بهار سال ۱۳۵۷
- ۳- البته کتابهایی راجع به زبان فارسی به زبانهای دیگر از قبیل عربی و ترکی وجود دارد مانند:
- نحو فارسی: نسخه خطی این کتاب که به زبان عربی و در نحو فارسی و مورخ سال ۹۵۷ هجری است در جزو کتابخانه ملت در استانبول به شماره ۱۳۱۱ از کتابهای علی‌امیری آفندی موجود است (از یادداشت‌های مرحوم مینوی - از فرهنگ ایران زمین، دفتر نخست، بهار ۱۳۳۳، صفحه ۴۴)
- شرح مفاتیح الدریه فی قواعد الفرس: تألیف مصطفی‌عمام‌الدین‌الحسین (نقشبندی مدرس). این کتاب به ترکی به طوری که خود گفته در سال ۱۱۶۳ تألیف شده است (از یادداشت‌های مرحوم مینوی از "فرهنگ ایران زمین" دفتر نخست، بهار ۱۳۳۳، صفحه ۴۱)
- وسيلة المقاصد (به ترکی): از خطیب رستم المولوی (از یادداشت‌های مرحوم مینوی - از فرهنگ ایران زمین، دفتر نخست، صفحه ۳۳). همچنین رجوع کنید به مجموعه گمینه صفحه ۲۰۵ راجع به دو کتاب دستور به زبان لاتینی که در سالهای ۱۶۳۹ و ۱۶۶۱ میلادی طبع شده‌است.